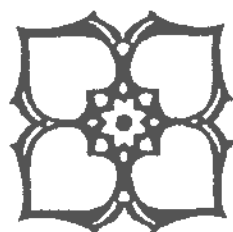


هدية العباد

در شرح حال صاحب بن عبّاد

تحقيق و تعليق :

نصرالله شاملی و علی بنایان اصفهانی



مرکز اصفهان شناسی و خانهٔ ملل

بهار ۱۳۸۵

ادیب اصفهانی، عباس علی (۱۲۷۶ - ۱۳۷۱)

هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عبّاد / عباس علی ادیب اصفهانی، به تحقیق و تملیق نصرالله شاملی و
علی بنایان اصفهانی، ویرایش محمد رضا زاد هوش، - اصفهان : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان،
۱۳۸۵.

۳۴۳ ص، نمایه، کتاب نامه ص ۳۴۳ - ۳۴۴، هم چنین به صورت زیر نویس.

ISBN 964-96910-4-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. صاحب بن عبّاد، اسماعیل بن عبّاد ۳۲۶ - ۳۸۵ ق. - سرگذشت نامه ۲، ایران - تاریخ - دیهسان، ۲۲۰ -
۴۴۷ الف، زاد هوش پ، محمد رضا ۱۳۵۹ -، ویراستار پ، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز
اصفهان شناسی و خانه ملل، ج. عنوان.

؟ الف ۲ ص / ۲۴۲ فا ۱۲ / ۹۵۵

۱۳۸۵ ا

کتابخانه ملی ایران

۱۱، ۸۵ م



سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

نام کتاب : هدیه العباد

در شرح حال صاحب بن عبّاد

مؤلف : آیت الله شیخ عباس علی ادیب اصفهانی

تحقیق و تملیق : نصرالله شاملی و علی بنایان اصفهانی

پیش گفتار : دکتر محمد علی چلو نگر

ویراستار : محمد رضا زاد هوش

ناشر : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید : مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

ناظر فنی : محی الدین چیت ساز اصفهانی

لیتوگرافی : آسمان، چاپ : فردا، صحافی : دی

نوبت چاپ : اول / بهار ۱۳۸۵

قطع بنبری / ۳۳۳ صفحه

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۳۵۰۰ تومان

شابک ۹۶۴ - ۹۶۹۱۰ - ۳ - ۹ ISBN 964-96910-4-9

سراکز پخش : ۶۲۸۸۳۸۸ - ۲۳۳۷۸۶۱ - ۳۹۱

همگی حقوق این اثر محفوظ و متعلق به مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل می باشد

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۳
درآمد	۱۳
زندگی این عالم بزرگ	۱۶
تألیفات آیت‌الله ادیب	۱۷
خصوصیات اخلاقی ایشان	۱۷
خدمات آیت‌الله ادیب	۱۸
پایان خط، غروب ستاره علم و فقاہت و حکمت	۱۹
فصل اول: در نام و کنیه و لقب و نسب و اولاد صاحب	۲۷
اولاد صاحب	۲۸
فصل دوم: در تولد صاحب و محل آن	۴۵
در بیان مذهب صاحب	۵۱
فصل سوم: در بیان مذهب صاحب	۵۳
توضیح	۱۰۳

فصل چهارم ۱۰۷

فصل پنجم: در بیان سخا و کرم صاحب ۱۱۶

در بیان سخا و کرم صاحب ۱۱۷

فصل ششم: شرح تحصیلات علمی صاحب و اساتید و مشایخ و شاگردان او ۱۲۲

شاگردان صاحب ۱۲۷

فصل هفتم: در بیان فنون و علوم صاحب ۱۳۱

۱. علم تفسیر ۱۳۱

۲. علم حدیث و فقه ۱۳۷

۳. علم کلام (اصول دین) ۱۳۹

۴. علم لغت عرب ۱۵۲

۵. علم صرف ۱۵۵

۶. علم نحو ۱۵۷

۷. علم عروض (میزان شعر) ۱۵۸

۸. فنّ نقد ادبی (ادبیّات عرب) ۱۶۱

۹. علم تاریخ و رجال ۱۶۶

۱۰. علم طب ۱۶۷

فصل هشتم: در بیان تألیفات صاحب و عدد آن ۱۶۹

فصل نهم: کتاب‌هایی که برای صاحب نوشته‌اند و کتابخانه صاحب ۱۸۷

فصل دهم.....	۱۸۹
آراء ادبای محدّثین دربارهٔ صاحب	۱۹۲
فصل یازدهم: یک صد و شانزده کلمهٔ قصار از صاحب.....	۱۹۵
فصل دوازدهم: هفتاد و هفت خطاب یا جواب کوتاه از صاحب.....	۲۰۹
فصل سیزدهم: در نامه‌ها و کلمات طوال صاحب با عباراتی فصیح.....	۲۲۷
فصل چهاردهم: در بیان احوال سلاطین دیالمه.....	۲۴۳
فصل پانزدهم: حالات صاحب قبل و بعد از وزارت.....	۲۵۱
حالات صاحب در زمان فخرالدّوله.....	۲۶۱
فصل شانزدهم: در وفات صاحب، و وقایع قبل و بعد از آن.....	۲۶۷
فصل هفدهم: در اشعاری که در مدح صاحب گفته شده.....	۳۰۱
فصل هیجدهم: در اشعار صاحب.....	۳۲۵
فهرست نام کسان.....	۳۳۹
فهرست منابع تحقیق.....	۳۴۳

پیش‌گفتار

یکی از رجال بزرگ و صاحب‌نام تاریخ اصفهان و ایران، ابوالقاسم اسماعیل بن عبّاد (۳۲۶ - ۳۸۵ق)، مشهور به صاحب بن عبّاد است. وی از وزیران و نویسندگان پراوازه، و بزرگ‌ترین و محترم‌ترین وزیر و رجل سیاسی در دوران آل بویه بوده است. محبوبیت صاحب تا آن‌جا بود که اهالی ری پس از وفاتش در برابر جنازه او به خاک افتادند. صاحب به علّت موقعیتش در حکومت آل بویه توانست نقشی عظیم در ارتقاء فرهنگ و تمدّن اسلامی و توسعه علوم دینی و ترویج مذهب شیعه ایفاء کند؛ چنان‌که زندگی و آثارش با تاریخ اسلام و تشیع و اصفهان و ایران پیوند تنگاتنگی دارد.

با روشن شدن زوایای مختلف حیات صاحب، بسیاری از نکات مبهم مربوط به تشیع و نظام سیاسی دیلمیان را مرتفع خواهد کرد. شهرت صاحب موجب گردیده است که آثار زیادی پیرامون وی نوشته شود. کتاب‌شناسی صاحب، مؤید توجّه نویسندگان به حیات و آثار این وزیر شیعی در طول تاریخ بوده است؛ نویسندگانی همچون عبدالملک الشّعالی، یاقوت حموی رومی، عبدالرحمان سیوطی، ابوالقاسم احمد قوبایی اصفهانی، سیدمحسن امین، محمدحسن آل یاسین، علامه عبدالحسین امینی، ولید قصاب، علی ذب، ناجی حسن، کارل بروکلمان، احمد بن یحیی المرتضی، عبدالواحد حسن الشّیخ، عبدالامیر الاعسم، محمد عبدالغنی الشّیخ، فؤاد سزگین، حسن علی محفوظ، احمد بهمنیار، علی بن یوسف قفطی و... در وصف صاحب دست به قلم برده‌اند.

از این میان، مرحوم آیت‌الله شیخ عبّاس علی ادیب‌الله توجّه خاصی به تاریخ و زندگانی و

شخصیت صاحب داشتند، و در طول حیات خویش تلاش وافری در احیای نام صاحب بن عبّاد کردند که فراهم آمدن کتاب حاضر، هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عبّاد از جمله این اقدامات است. آن چه موجب گردید تا آیت الله ادیب دست به تألیف این کتاب بزنند، تشکیک در شیعه بودن صاحب است. وی در این باره می گوید:

«کتابی در احوالات مرحوم صاحب بن عبّاد نوشتم؛ چون بعضی به من گفتند آن مرحوم سنی بوده است، من دیدم این ناروا است؛ چرا که مرحوم صاحب بن عبّاد از مروجین شیعه و از پایه گذاران مذهب تشیع در ایران به شمار می رود. این بود که کتابی در شرح احوالات آن جناب نوشتم، و شهادت چند نفر از فقهای بزرگ را به شیعه بودن ایشان در آن آوردم».

مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، به مناسبت همایش بزرگداشت آیت الله ادیب در چهاردهمین سال ارتحال ایشان، و در سال نکوداشت اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، تجدید چاپ کتاب هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عبّاد با تعلیقات و اضافات جدید را در برنامه های خویش قرار داد. انتشار این کتاب، درحقیقت، بزرگداشت نام دو شخصیت علمی، فرهنگی و دینی اصفهان است؛ هم احیای نام صاحب و هم بزرگداشت مؤلف کتاب، مرحوم آیت الله ادیب.

در پایان لازم است از کسانی که در به انجام رساندن این کار یاری رساندند، تشکر و قدردانی شود:

- جناب آقای دکتر سیدمرتضی سفایان نژاد شهردار محترم اصفهان، و دبیر ستاد نکوداشت اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام.
- جناب آقای علی قاسم زاده مدیرعامل محترم سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- حضرت حجت الاسلام والمسلمین سیداحمد مؤمنی.
- جناب آقای دکتر نصرالله شاملی عضو محترم هیأت علمی گروه عربی دانشگاه اصفهان و جناب آقای علی بنایان که کتاب را مورد بازنگری قرار دادند، و اسناد و مدارک مطالب را استخراج، و اشعار پایانی را ترجمه کردند، و تعلیقاتی بر آن افزودند.

- جناب آقای محمدحسین ریاحی مسؤول پژوهش مرکز.
- جناب آقای علی‌رضا مستاح مسؤول اجرایی مرکز.
- خانم‌ها شهناز خواجه و زهره عسکری.
- و جناب آقای محمدرضا زاده‌وش ویراستار محترم مجموعه.

دکتر محمدعلی چلونگر
مدیر مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل

www.ketab.ir

مقدمه

درآمد

قال رسول الله ﷺ: إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يَهْتَدِي بِهَا فِي الظُّلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: علما و دانشمندان در روی زمین، همچون ستارگان در آسمان هستند که تشنگان معرفت و شیفتگان حق و حقیقت در تاریکی بر و بحر از آنان راه‌نمایی می‌جویند، و از پرتو فروغ این ستارگان درخشان، روشنایی می‌گیرند.

معرفی و شناساندن این اسوه‌های علم و تقوی که عمر پربرکت خود را در جهت حمایت و دفاع از مکتب حق تشییع، و احیای معارف اسلامی، و مبارزه با انحرافات فکری و عقیدتی و گسترش اسلام ناب محمدی، و زدودن ظلمات جهل و غفلت و ناآگاهی، و سوختن چون شمع و روشنایی بخشیدن به قلب‌های تاریک، با صبر و استقامت، در کمال توجه و توکل به خداوند، و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و زخارف آن سپری ساخته‌اند؛ نه تنها جنبه شخصی و فردی ندارد؛ بلکه خود تبلیغ معنویت و معرفت است.

جامعه‌ای می‌تواند در مسیر سعادت و ترقی و تکامل خویش حرکت کند که چنین سنت مستحسنی را شیوه خود قرار داده، و این چراغ‌های فروزان را به عنوان الگوهای مفید و ارزنده، به نسل جوان معرفی کند، تا در نتیجه تبعیت و پیروی از این مشعل‌داران علم و تقوی روح تعالی و سیر ملکوتی، سرمشق قرار گیرد، و مطابق با فرمایش معصوم: **الْعَالِمُ مُضْبِحُ آلِهِ.**

این استوانه‌های علم و ایثار که با غواصی در بحار علوم، و با تحقیقات و تألیفات، و تدریس و بیان مسائل، گوهرهای نفیس و ارزشمندی را عرضه کرده‌اند که با مشعل‌های نوردهنده‌ای در ظلمت‌های جهل به انسان‌ها فروغ بخشد، و تشنگان حقایق و فضائل را از سرچشمه ناب و مصفای حکمت سیراب کنند، و لهذا در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

اَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛

دانشمندان را گرامی بدارید؛ زیرا آنان وارثان پیامبران‌اند؛ پس هر که آنان را گرامی بدارد، خدا و رسولش را گرامی داشته است.

بنابراین، بزرگداشت مقام دانشوران متعهد و عالمان وارسته در کلام معصومین علیهم السلام توصیه شده، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام بدین مهم تأکید کرده‌اند؛ چرا که اینان، بر اساس روایت دیگری، وارثان پیامبران و اولیاء در نشر اندیشه و هدایت انسان‌ها و سوق دادن آدمیان به سوی کمال محسوب می‌شوند:

الْعُلَمَاءُ مَضَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ؛

علماء، مشعل‌های فروزان زمین و جانشینان پیامبران‌اند، اینان وارثان من و دیگر انبیاء هستند.

در طول قرون گذشته از صدر اسلام تا کنون، حفاظت و حراست و نگهبانی این دین و مکتب پر نور ولایت، به عهده علماء و روحانیت معظم بوده که با تمام توان و وجود خویش و چه بسا با ایثار جان، از مکتب اصیل اسلام در مقابل ایادی استعمار، و تبلیغات زهرآگین آن ه و امواج افکار انحرافی، و سیل خرافات ویرانگر، با صبر و استقامت دفاع کرده‌اند، و به فرموده امام صادق علیه السلام:

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابِطُونَ فِي الثَّنَاءِ الَّذِي بَلَى عَلَيْهَا ابْلِيسُ وَ عَفَارِيتهُ وَ يَمْتَعُونَهُ عَنْ

الْخُرُوجِ عَلَى ضُعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَسْلُطَ عَلَيْهِمُ ابْلِيسُ؛ دانشمندان پیروان ما

همانند مزدورانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده‌اند، و از حمله

آن‌ها به افرادی که قدرت دفاع از خود را ندارند، جلوگیری می‌کنند.

به عنوان مثال، شرح حال شخصیت فوق العاده صاحب، اسماعیل بن عباد را در همین کتاب حتماً بخوانید تا به گوشه‌ای از خدمات یک عالم ربّانی به عالم اسلام و تشیع واقف و آگاه شوید که چگونه در عصری که مردمش اکثراً سنی و نصبی و جبری بودند، با قبول پست وزارت، به عنوان یک وسیله، اهداف خود را در تبلیغ اسلام ناب محمدی و ترویج مذهب تشیع دنبال کرد، و تحوّلی در همه جا - خصوصاً شهر اصفهان - به وجود آورد که به حق، حق بزرگی به گردن مردم این استان دارد.

شخصیت صاحب بن عباد فراتر از آن است که این حقیر، با بضاعت مزجاة بتواند در توصیف او سخن گوید، دریای مواجی که شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا را برای او تألیف و هدیه می‌کند، و سیّد رضی قصیده‌ای در وصفش می‌سراید؛ همان به که معرفّی صاحب بن عباد را از قلم عالم‌شناسی همچون مرحوم آیت الله ادیب رحمته الله در همین کتاب بخوانید که یکی از ده‌ها کتاب ایشان است، و در آن، به شرح زندگی صاحب بن عباد پرداخته، و چهره نورانی صاحب را که سالیانی دراز در نظر برخی از مردم، در پشت ابرهای تیره محجوب مانده بود، به جامعه معرفّی می‌کند. پیش‌تر، گاهی افراد مغرض، اتهام سنی‌گری به صاحب می‌بستند، و همین آیت الله ادیب رحمته الله را بر آن داشت تا دست به قلم شود، و ابرهای تیره و سیاه را کنار زند تا مردم، حقیقت صاحب را ببینند، و نورانیت و شخصیت و خدمات ارزنده او را در عالم اسلام و تشیع مشاهده کنند، و ولایت و محبّت و عشق او نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً مولای متّقیان علی علیه السلام و اشعار او در فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام بر همگان آشکار شود.

در نتیجه، علاقه مردم نسبت به صاحب بن عباد روزافزون گشت، و ساختن بقعه و گنبد و ضریح و بازسازی مقبره و سیل چشم‌گیر زائرین صاحب، سند گویای این واقعیت است؛ آری، این کار ارزشمند به دست مرحوم آیت الله ادیب رحمته الله صورت پذیرفت، این کنز مخفی، عالم ربّانی، فقیه صمدانی، فیلسوف متشرّع، عارف خجسته، حکیم متألّه، مستغرق در علوم هیأت و ریاضی و غیره که به حق باید گفت جامع معقول و منقول و شیخ بهایی زمان بود. وارسته‌انسانی که سراسر حیات پربارش را در راه کسب کمالات، تحصیل فضائل، و

متجاوز از هفتاد سال تحقیق فقه و اصول، حکمت و هیأت و... و تألیف آثار گران بها صرف کرده است. همان انسان والایی که در دوران سیاه رضاخانی با تحمل سختی ها و مرارت های فراوان، و اعراض از امور دنیوی و پشت پا زدن بر مادیات، صراط معرفت را درنور دیده، و به قلّه کمال نائل شد؛ زندگی این عالم فرزانه، در چندین فصل خلاصه می شود:

زندگی این عالم بزرگ

مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ عبّاس علی ادیب رحمته الله فرزند محمدجعفر در سوم جمادی الاولی سال ۱۳۱۵ق در قریه حبیب آباد برخوار اصفهان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و ادبیات عرب را در همان زادگاه خویش به پایان رساند، و از همان اوان جوانی و بلوغ، عشق و علاقه شدیدی به تحصیل و کسب مدارج علمی، با نبوغ و استعداد زاید الوصفی از ایشان به عرصه ظهور رسید؛ ولی با مشکلات و موانع زیادی در جهت ادامه تحصیل رو به رو بود که دست نجاتی از آستین مرحوم آیت الله حاج میرزا رضا کلباسی رحمته الله بیرون آمد، و با وساطت و حمایت ایشان، آیت الله ادیب رحمته الله وارد حوزه علمیه اصفهان گردید، و با وجود مشکلات عدیده، با جدّیت تمام مشغول به تحصیل شد. دوره مقدمات و سطح را پشت سر گذاشت، و به درس خارج وارد شد، به طوری که موفق شد تقریباً در سنّ چهل سالگی درجه اجتهاد خود را توسط آیت الله حاج شیخ محمد رضا نجفی رحمته الله و آیت الله سید محمد نجف آبادی و سپس توسط آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله تأیید و تنفیذ کند.

از ویژگی های معظم له این بود که در امور بسیاری غیر از علوم حوزوی وارد شد، و در بعضی از آن ها متخصص و صاحب نظر بود؛ مثل علم هیأت و جغرافی و ریاضی و غیره، به طوری که در همه این فنون تدریس می کرد، و شاگردان بسیاری در طول ده ها سال تربیت فرمود، و به عالم اسلام تحویل داد.

آیت الله ادیب رحمته الله در فنّ خطابه و منبر استاد بود، و با وجودی که یک مجتهد مسلم به شمار می آمد، در سخنوری و بیان حقایق، و هدایت مردم تسلط عجیبی داشت.

هم چنین اشعار زیادی به عربی و فارسی از ایشان به یادگار مانده که هنوز به چاپ نرسیده است.

تألیفات آیت الله ادیب

- تألیفات ایشان هر کدام در حدّ خود کم نظیر و بلکه بی نظیر است:
 ۱. ارث الشیعه که حلال مشکلات مسائل ارث و مورد استفاده استادان و طلاب علوم دینیّه است.
 ۲. رساله قطبیّه که به سه زبان به چاپ رسیده، در بیان احکام قطبین (قطب شمال و قطب جنوب) و تکالیف شرعی ساکنان آن ها.
 ۳. تطبیق: تطبیق سال شمسی با قمری و بالعکس.
 ۴. قبله البلدان: در قبله بلاد ایران.
 ۵. مناسک الشیعه: مشتمل بر احکام حج و زیارت حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام.
 ۶. احسن التّقویم: برای افق اصفهان.
 ۷. وظایف الشیعه: در شرح دعای ندبه.
 ۸. هدیه العباد: در شرح زندگانی مرحوم صاحب بن عبّاد (کتاب حاضر).
 ۹. ملحقّات قضاوت های حضرت امیرالمؤمنین علیّه السلام.
 ۱۰. زیارت مدینه: مشتمل بر تمام زیارات حضرت رسول و ائمه بقیع علیهم السلام و حمزه سید الشّهدا علیّه السلام.
 ۱۱. احسن التّقویم: برای افق مکه و مدینه.
 ۱۲. احسن التّقویم: برای کاشان و بلاد دیگر به عرض جغرافیایی آن.
- غیر از این ها کتب دیگری به خطّ خود ایشان مانده که هنوز به چاپ نرسیده است.

خصوصیات اخلاقی ایشان

به مصداق «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» به طور خلاصه اشاره ای به

ویژگی‌های اخلاقی ایشان می‌شود. تواضع و فروتنی آیت‌الله ادیب به حدّی بود که خاص و عام بدان معترف بودند، با وجود آن همه علم و موقعیت اجتماعی، در برابر کوچک‌ترین فرد طلبه خاضع بود، زاهد و بی‌اعتنا به دنیا و عناوین مادی بود، و اعراض از همه وابستگی‌ها داشت، و همه توجهش به خدا بود. سکونت وی تا آخر عمر در همان خانه قدیمی و مخروبه و فناک، یکی از شواهد این گفتار است. پشت کار و جدّیت ایشان در امر تحصیل و تدریس برای طلاب عزیز و دانش‌پژوهان، بهترین سرمشق است، خود می‌فرمود که:

«مدّتی در شبانه‌روز، سیزده درس می‌گفتم، و همه را مطالعه می‌کردم، و شب‌ها برای این که خوابم نبرد، چراغ لامپا نفتی را در طاقچه گذاشتم، و ساعت‌ها مطالعه می‌کردم».

آری «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، ایشان آن‌چنان به مطالعه معتاد بود که می‌فرمود: «منی توانم مطالعه نکنم»، مگر آن‌که کسی او را به صحبت مشغول می‌کرد.

بی‌رنج و بی‌مُـرارت، کس کام دل نیابد
آن‌کس که دین و دل یافت بگذاشت جسم و جان را

و اما آیت‌الله ادیب رحمه الله یک پارچه اخلاص بود، سخنش، قلمش و قدمش فقط برای خدا و در جهت تحصیل رضای خدا بود، و از هیچ‌کس ملاحظه نداشت. ایشان نسبت به علماء و طلاب، احترام زاید الوصفی قائل بود. مشوّق طلاب و فضلا و حقیقتاً طلبه‌پرور بود؛ خصوصاً نسبت به سادات و ذراری حضرت زهراء علیها السلام فوق‌العاده محبّت و احترام می‌کردند.

خدمات آیت‌الله ادیب

گرچه زبان و قلم عاجز است از بیان و نوشتن خدمات ارزنده یک عالم ربّانی که نزدیک به یک قرن از ابتدا تا انتها خالصانه در مسیر حق حرکت کرد، و از هیچ کوششی در راه

خدمت به اسلام و مسلمین دریغ نورزید، و چه بسا خدماتی کرده که غیر از خدا کسی از آن‌ها آگاهی ندارد؛ زیرا حقیقت و خلوص ایشان، اجازه افشای آن‌ها را نمی‌داد؛ اما آن‌چه را که بر همگان مشهود است، غیر از تربیت آن همه طلاب و شاگردان فاضل که بسیاری از آن‌ها اکنون از استادان بزرگ حوزه علمیّه‌اند، و از وجودشان فیض گرفته می‌شود، و غیر از تألیفات عدیده و کتبی که حلال بسیاری از مشکلات است، و اشاره و هدایت در مناظر و سخنرانی‌ها، و مبارزه با منکرات، و دست‌گیری از فقرا و مستمندان، خدمات اجتماعی دیگر ایشان را می‌توان در چند مورد به طور خلاصه اشاره کرد:

۱. تعمیر و بازسازی مقبره صاحب بن عبّاد و ساختن ضریح زیبای وی.
۲. بازسازی و توسعه مسجد صاحب و قبلی کردن شبستان و حیاط مسجد.
۳. تأسیس ساختمان دارالشفای حضرت زهراء علیها السلام که شبانه‌روز در خدمت مردم است، و بیماران زیادی در آن درمان و معالجه می‌شوند.
۴. تکمیل ساختمان حسینیّه امام خمینی رحمته الله جنب مسجد صاحب که بسیار باشکوه و عظمت است.

پایان خط، غروب ستاره علم و فقاہت و حکمت

مرحوم آیت‌الله ادیب رحمته الله در سوم جمادی الاولی سال ۱۳۱۵ ق چشم به جهان گشود، و در روز پنج‌شنبه سوم ذی‌حجّه الحرام سال ۱۴۱۲ ق برابر با ۱۴/۳/۱۳۷۱ به دنبال کسالتی که در اثر زمین خوردن و شکستن استخوان بازو پیدا کرد، چشم از جهان بریست، و ثلمه بزرگی به اسلام وارد شد. وی در مجموع عمر نود و هفت ساله خود مفاخری آفرید، و سرانجام بدن پاکش در کنار مقبره صاحب بن عبّاد رحمته الله به خاک سپرده شد.

خدایش رحمت کند، و با پیغمبر و آلش علیهم السلام محشورش بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سید احمد مؤمنی

ماده تاريخ تأليف كتاب

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ مَعَ الرَّشَادِ
وَجَعَلَتْهَا ذُخْرًا لِيَوْمِ مَعَادِي
فَكَانَ لِلْحِسَابِ خَيْرُ زَادِي
مَدَحَ النَّبِيِّ وَآلِهِ الْأَنْجَادِ
سَبِيلَ حَقِّ أَفْضَلِ الْجِهَادِ
أَحْوَالِ شَخْصٍ تُحِبُّهُ الْأَوْثَادِ
كَفَى الْكُفَاةَ صَاحِبِ الْعِبَادِ
وَلِيعْمُدَةَ الْأَحْكَامِ خَيْرُ عِمَادِ
حَتَّى جَرَتْ فِي الْأَرْضِ كُلِّ الْوَادِي
لِلْحَاضِرِ وَالْغَائِبِ وَالْبَادِي
فِي هَذِهِ مِقْدَارِ اسْتِعْدَادِي
مِنْ خَطِيئَةٍ وَكِتَابَتِي وَمِدَادِي
مِنْ بَيْتِنَا وَاقْرَأْ بِكُلِّ النَّادِي:

كِتَابُنَا يَنْطِقُ بِالسَّادِ
الَّتِيهَا مُتَقَرَّبًا خَيْرُ الْقُرْبِ
قَدْ أَوْقَى الْكِتَابُ فِي يَمِينِي
مَدَحَتِ مَنْ يَصْرِفُ عُمْرَهُ عَلَى
مَدَحَتِ مَنْ جَاهَدَ فِي السَّبِيلِ
يَا أَيُّهَا الْعِبَادُ جَدُّوا وَجَدُّوا
كَزَّ الْعُلُومِ وَاسْتَهَا وَاسْتَهَا
هُوَ لِلشَّرِيعَةِ وَالْإِسْناسِ مُؤَسَّسِ
نَشْرَ الْوَلَايَةِ فِي وَلَايَاتِ الثَّرَى
حَقَّ عَلَيْنَا مَدَحُهُ وَثَنَانُهُ
فَجَمَعْتَ مِنْ أَحْوَالِهِ وَصِفَاتِهِ
وَرَجَوْتَ حِظًّا خَطًّا لِلشُّهَدَاءِ
تَارِيحُهَا إِنْ شِئْتَ أَخْرَجْ وَاجِدًا

هَذَا هُوَ هَسْدِيَةِ الْعِبَادِ

٧٠٥ ١١ ٢٤ ١٠٨

فِي فَضْلِ حَالِ صَاحِبِ الْعِبَادِ

٢٩٠ ٣٩ ١٠١ ١٠٨

١٣٨٥ - ١ = ١٣٨٤

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اصْطَفَى رَجُلًا صَدَقَ مَا عَاهَدُوا اللَّهَ، وَاعْتَصَمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ، وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ أَمَنَاءِ اللَّهِ، وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ اَعْدَاءِ اللَّهِ، إِلَى يَوْمِ لِقَاءِ اللَّهِ.

و بعد، چون به قاعده لطف، بر حسب دلیل عقلی بر خدا لازم است که شریعت حقّه، و دین و آیین اسلام را از شرّ اُجانب و بیگانگان حفظ و حراست فرماید، و دست مخالفین و معاندین را از خرابی آن کوتاه نماید؛ لذا بر طبق این قاعده، آیات و روایاتی رسیده، که خداوند، طریقه حقّه را حفظ می فرماید.

در آیه ۵۴ سورة ۵ (مائده) می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَانِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

یعنی:

ای مؤمنان! اگر بعضی از شما از طریق اسلام باز گردد، خداوند در أعصار آینده، مردانی را می آورد که خدا دوست ایشان و ایشان دوست خدایند، و نزد اهل ایمان، خاضع و خاکسار، و در برابر کفار، دارای بزرگی و اقتدار، و در

راه خدا و حفظ دین، مجاهده و کوشش دارند، و از سرزنش ملامت‌کنندگان پاک ندارند، و این مقام و رتبه، فضل خدایی است، به هرکه خواهد عنایت فرماید، و خدا بخشاینده و دانا است.

شیخ طبرسی^۱ در مجمع البیان روایت می‌کند که: «از پیغمبر ﷺ پرسیدند که: «این آیه در مورد کیست؟».

پیغمبر ﷺ دست به شانهٔ سلمان زد و فرمود: «هَذَا وَ ذُوهُ»؛ یعنی: مراد از این آیه، سلمان است، و صاحبان و هم‌وطنانش.
بعد فرمود:

«لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِّنْ أَثْنَاءِ فَارَسٍ»

یعنی:

اگر دین، مانند رشته‌ای از زمین گسیخته و به ستارهٔ ثریا آویخته شود، مردانی از فرزندان فارس و عجم آن را دریابند، و پایدار نمایند.

و در خبر است که پیغمبر ﷺ فرمود: «وَأَسْأَلُهُ إِلَى إِخْوَانِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ یعنی: چه بسیار مشتاقم به دیدار برادرانم در آخر الزمان».

عرضه داشتند: «مگر ما برادران شما نباشیم؟».

فرمود: «شما أصحاب من هستید، برادران من کسانی باشند که بعد از این بیایند، و دین را پس از خرابی، پایدار نمایند».^۲

و هم در آیه ۲ سورة جمعه می‌فرماید:

﴿وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يُلَاحِظُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾

۱. [وی مؤلف کتاب ارزشمند مجمع البیان فی تفسیر (علوم) القرآن است.]

۲. [مجمع البیان، حواشی و تخریج آیات: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳، صص ۲۷۱ - ۲۷۰.]

یعنی:

و پیغمبر ﷺ مبعوث شد بر قوم دیگری هم غیر از شما (أعراب) که هنوز ملحق به مسلمانان نشده‌اند (یعنی در آینده بیایند، و احیاء دین نمایند)، و خدا غالب بر هر امری، و حکیم در هر کاری است، این مرتبه فضلی است که خدا توفیق آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا صاحب بخشش‌های بزرگ است.

و هم در مجمع البیان گوید که:

از تفسیر این آیه پرسیدند، و پیغمبر ﷺ مانند آیه سابقه جواب داد، و اخبار بدین مضمون بسیار است، و هم در خبر ابوهریره از پیغمبر ﷺ رسیده که رأس هر صد سالی یک نفر پیدا شود، و دین را - بعد از ضعف و خرابی - محکم و استوار می‌نماید، و آن یک نفر را «مُجَدِّدُ مِائَةٍ» گویند، و این مطلب را به تجربه معلوم کرده‌اند، و علماء تاریخ برای رأس هر صد سالی، مجددی تعیین نموده‌اند.

و گویند مُجَدِّدُ مِائَةٍ اَوَّلُی حضرت باقر علیه السلام، و مجدد مِائَةٍ دوم حضرت رضا علیه السلام و مُجَدِّدُ مِائَةٍ سوم محمد بن یعقوب کلینی باشد.

لذا اگر به دیده بینا، و با دل دانا، در حالات صاحب با دقتی عمیق و فکری دقیق، سیری و سیاحتی، و در بحار فضائل او، شنایی و سباحتی کنی، خواهی دانست که صاحب هم مُجَدِّدُ مِائَةٍ چهارم، و یگانه رادمردی است که، مصداق این آیات و روایات است که بعد از خرابی اساس دیانت، پایه آبادانی و عمارت دین مبین، و مایه حفظ و حراست شریعت سید المرسلین ﷺ گردید، و مخصوصاً دو امر بزرگ دینی، عدل و امامت را که در اثر غصب خلافت، و عداوت معاویه و خلفاء، مندرس و خراب؛ بلکه نیست و نایاب شده؛ و گویا اسمی و نامی هم برای این دو امر باقی نمانده؛ صاحب، همت گماشت؛ و قَدَّ مردانی برافراشت؛ و با تمام قوای مجهز علمی، و دولتی؛ از خطاب و کتاب؛ و خامه و چامه؛ و زبان و بیان، و تحریر و تقریر، این دو امر بزرگ را در عالم؛ به ویژه در ایران تأسیس و بناء، و زنده و احیاء فرمود؛ و الْحَقُّ، حَقِّ بزرگی به گردن شیعیان جهان - به خصوص ایرانیان - دارد که دستگاه جبریّه و ناصبیّه و عقاید باطله، و طرق سخیفه را از میان برانداخت، و پرچم عدل و تشیع و ولایت

ائمه دوازده گانه علیهم السلام را برافراخت، و عالم تشیع - بالأخص کشور ایران - را چون گلستانی از عقاید حقّه، و بوستانی از اعتقادات صحیحه گردانید.

صاحب در ادبیات عربی، و نکات فصاحت و بلاغت هم، گوی سبقت را از فصحاء و بلغاء هر عصری ربود، و جلب توجه طالبان این فنون را از هر سوی و از هر جانب برای تدریس و تعلّم به سوی خود نمود، و این فن را در عصر خویش؛ به اعلیٰ درجه ارتفاع رسانید، و از همت والای او؛ دو نتیجه بزرگ، عاید نوع بشر، و اهل اسلام گردید:

اول آن که: فصاحت و بلاغت قرآن کریم را که معجزه باقیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و موجب برتری این کتاب آسمانی بر کتاب های دیگر است، بر اهل ادب تا مقداری فهمانید، و [آنان] در فهم قرآن و اخبار ائمه اطهار علیهم السلام به مرتبه عالیّه رسیدند.

دوم آن که: ادبیات در زبان عجم؛ تا آن زمان چندان وقعی نداشت؛ ولی بعد از زمان صاحب، فارسی زبانان هم، پیروی از طریقه او نمودند، تا آن که آن را به مرتبه بلندی رسانیدند، و این مطلب چون آفتاب روشن است، و همه مورّخین از هرجهتی صاحب را توصیف و مدح نموده اند، و فقط ابوحنّان توحیدی از روی غرض و عداوت، صاحب را قدح کرده، و کتاب *مثالب الوزیرین* را در مذمت صاحب و ابن عمید تألیف نموده، و در کتب تواریخ، هرگونه نقصی و عیب جوئی درباره صاحب دیده شود، از آن کتاب نقل شده است، و علت تألیف این کتاب آن است که ابتداء، ابوحنّان در بغداد به امر کتابت اشتغال داشت، چون آوازه ریاست، و سخاوت صاحب و تعظیم و تکریم او را نسبت به اهل علم و ادب شنید، به ری حرکت کرد تا از الطاف و مراحم صاحب، مقامی و مرتبه‌ای برای خود به دست کند. چون به خدمت صاحب رسید، به جهت سوء ادب و عجب و خودبینی و خودستایی که داشت، صاحب، نظر لطف و عنایتی به او نداشت، ولی باز با او به حسن سلوک رفتار می نمود، و امر کتابت را به او محوّل فرمود؛ لذا چون از مقصد خویش مأیوس گردید، به بغداد مراجعت کرده، و از روی بغض و دشمنی شروع به تألیف این کتاب نمود؛ ولی باز هم از ترس پنهان می داشت.

یاقوت حموی گوید: ابوحنّان برای اندوختن مال و ثروتی، و رسیدن به جاه و رتبتی، به

خدمت صاحب آمد، و چون به مقصد نائل نشد، این کتاب را در قدح صاحب، تألیف نمود. و چون کتاب‌هایی که در احوال صاحب تألیف شده، به زبان عربی است؛ لذا برای این که فارسی‌زبانان هم؛ حالات و خدمات او را به دین شیعه بخوانند و بدانند، این کتاب را تألیف نمودم، تا مقداری از زحمات این مرد بزرگ به عالم دیانت؛ بر همه واضح و هویدا، و فضائل و خصائل نهفته او، بر تمام عالمیان آشکارا و پیدا گردد، و بهتر کتابی که در شرح حالات او مفصلاً نوشته شده، کتاب الصاحب بن عباد تألیف آقای شیخ محمدحسین آل یاسین، و کتاب اعیان الشیعه تألیف: السید محسن الامین می‌باشد، و مأخذ این کتاب هم در بیشتر مطالب، آن دو کتاب است؛ ولی بعضی از مطالب آن هم از کتب دیگر مأخوذ است، و این مجموعه، مشتمل است بر هیجده فصل.